



مبانی علمی - کاربردی ژئوپلیتیک قاچاق کالا

رویا معصومی

مقدمه

یکی از آفت‌های جوامع، وجود فعالیت‌های غیر رسمی یا زیرزمینی در اقتصاد آن‌هاست. اقتصاد غیر رسمی عارضه‌ای است که تمام کشورهای جهان با آن دست به‌گریبان هستند. بررسی وضعیت اقتصادی، اجتماعی و قوانین حاکم بر جوامع گوناگون نشان می‌دهد که این جوامع در طول زمان سعی در حذف و یا کاهش این نوع فعالیت‌ها و هدایت آن‌ها به فعالیت‌های رسمی در اقتصاد داشته‌اند. با این حال هنوز فعالیت‌های غیررسمی در اقتصاد کشورها رایج و آثار آن نمایان است.

ماهیت فعالیت‌های غیررسمی و زیرزمینی در اقتصاد کشورها بسیار گسترده است و از فعالیت‌های نامشروع، قاچاق کالا و قاچاق مواد مخدر گرفته تا جعل اسناد، فرار از مالیات و غیره را شامل می‌شود. بنابر این قاچاق کالا بخشی از اقتصاد غیررسمی است که با هدف سودآوری از سوی عوامل تجارت غیر قانونی انجام می‌شود.

در قاچاق کالا عوامل و زمینه‌های مختلفی دخالت دارند که از مهم‌ترین این عوامل موقعیت ژئوپلیتیکی یک کشور می‌باشد. کشور ایران با توجه به موقعیت خاص جغرافیایی و شرایط طبیعی، از نظر موقعیت ژئوپلیتیکی قلب خاورمیانه محسوب می‌گردد. مسیرهای ارتباطی میان قاره‌های کهن جهان (چه از طریق راه‌های زمینی، دریایی و اینک هوایی) به‌طور اجتناب‌ناپذیر از داخل و یا حاشیه‌ی این سرزمین عبور می‌کرده است. جاده‌ی ابریشم و تجارت ادویه و سایر اقلام و کالاهایی که مورد نیاز شرق و غرب جهان کهن بوده که چین و شبه قاره‌ی هند را به اروپا متصل می‌ساخت از گذشته‌های دور نقش برجسته‌ای به این سرزمین بخشیده بود. در سده‌ی گذشته با گسترش راه‌های دریایی و نیز منابع عظیم انرژی خلیج فارس به عرصه‌ی رقابت میان قدرت‌های بزرگ دریایی جهان تبدیل گشت. امروزه نیز با گسترش روزافزون هوانوردی و نیز مبادلات هوایی و اهمیت آسمان ایران به عنوان کوتاه‌ترین کریدور هوایی میان قاره‌ای، علاوه بر این که کاهش نیافته بلکه افزون‌تر نیز شده است. بنابر این «موقعیت گذرگاهی ایران به سبب نقش پر اهمیتی که در مبادلات منطقه‌ای ایفا می‌کند و هم‌چنین اثرات عمیقی که بر تحولات سیاسی - اقتصادی حوزه‌های وسیعی

از نشانه‌های اهمیت این پل ارتباطی، اشغال این کشور طی دو جنگ جهانی اول و دوم به وسیله‌ی نیروهای متخاصم با وجود اعلام صریح بی طرفی از سوی ایران می‌باشد.

علاوه بر موارد بیان شده، ایران نسبت به کشورهای پیرامون خود دارای موقعیتی مرکزی است؛ به گونه‌ای که در پیدایش شکل‌های منطقه‌ای و عملکرد ژئوپولیتیک و کارکرد آن‌ها نقش مؤثری ایفا می‌نماید.

حوزه‌های ژئوپولیتیک مرتبط با ایران به طور خلاصه عبارت‌اند از:

۱. حوزه‌ی قفقاز و آناتولی: (ایران، ارمنستان، گرجستان، روسیه)؛

۲. حوزه‌ی دریای خزر: (ایران، ترکمنستان، قزاقستان، روسیه، آذربایجان)؛

۳. حوزه‌ی فلات ایران: (ایران، پاکستان، افغانستان)؛

۴. حوزه‌ی آسیای مرکزی: (همسایگی ایران با ترکمنستان، قزاقستان، ازبکستان، قرقیزستان و تاجیکستان)؛

۵. حوزه‌ی خلیج فارس: (ایران، عراق، عربستان، کویت، امارات، قطر، بحرین و عمان)؛

۶. حوزه‌ی دریای عمان و اقیانوس هند: (ایران، پاکستان، هند، عمان، امارات متحده‌ی عربی).

بنابر تقسیمات ژئوپولیتیک بالا، نقش ایران به دلیل حضور در شش حوزه‌ی ژئوپولیتیک در منطقه آشکار می‌شود.

موقعیت جغرافیایی ایران

عامل زمین و جغرافیا همواره، تأثیر زیادی در سیاست و قدرت کشورها داشته است. موقعیت برتری که سرزمین مناسب و سوق‌الجیشی در اختیار سیاست قرار می‌دهد در بحث‌های ژئوپولیتیک و ژئواستراتژیک مورد بررسی قرار می‌گیرد. ایران سرزمینی است که در نیم

کره‌ی شمالی و در جنوب غربی آسیا واقع شده است. ایران کنونی شانزدهمین کشور جهان با وسعتی در حدود ۱۶۴۸۱۹۵ هزار کیلومتر مربع با مرزهای تثبیت شده‌ی فعلی است و در منطقه‌ی خاورمیانه بعد از عربستان وسیع‌ترین کشور است و به تنهایی از کل مساحت شش کشور اروپایی آلمان، فرانسه، انگلستان، ایتالیا، هلند و بلژیک بیش تر است.

مطرح است.

این واژه از دو بخش ژئو (Geo) به معنای (زمین و مکان) و پولیتیک (Politics) به مفهوم سیاست تشکیل یافته و در زبان فارسی به "علم سیاست جغرافیایی" یا "تأثیر جغرافیایی سیاست و رفتارهای سیاسی"، ترجمه و تعبیر می‌شود.

ژئوپولیتیک عبارت است از مطالعه‌ی روابط همکاری یا رقابت میان قدرت‌ها بر اساس امکاناتی که محیط جغرافیایی در اختیار می‌گذارد، یا امکاناتی که در این راستا می‌توان از محیط جغرافیایی گرفت. به طور مسلم هدف یک قدرت از این روابط، ایجاد موازنه‌ی رقابتی با قدرت‌های دیگر برای تامین امنیت در راستای حفظ منافع ملی و گستردن آن، با توجه به چگونگی بهره گرفتن از نقش امکانات جغرافیایی است. از این دیدگاه ویژه، ژئوپولیتیک را می‌توان هنر ایجاد موازنه‌ی قدرت با رقیبان در سطوح منطقه‌ای و جهانی در راستای تامین امنیت، به منظور حفظ و گسترش منافع ملی در سطوح منطقه‌ای و جهانی دانست.

در مطالعه‌ی موقعیت‌های ژئوپولیتیک در مناطق گوناگون و یا در کشورها معمولاً منابع و امکاناتی همانند منابع طبیعی و معدنی؛ نیز موقعیت جغرافیایی و راهبردی؛ هم‌چنین قرار گرفتن بر سر راه‌های عمده‌ی بازرگانی بین‌المللی در خشکی یا دریا و یا قرار گرفتن در کنار تنگه‌های حساس راهبردی، مورد نظر و توجه قدرت‌ها قرار می‌گیرد. بنابراین، می‌توان نتیجه گرفت که ژئوپولیتیک به مطالعه‌ی تأثیر عوامل جغرافیایی بر سیاست‌های دگرگون شونده‌ی جهانی می‌پردازد.

ایران و حوزه‌های ژئوپولیتیک

کشور ایران با توجه به موقعیت خاص جغرافیایی، شرایط طبیعی و ارزش‌های فرهنگی، مهد تمدن آسیا و جهان به شمار می‌آید و در طول تاریخ پر فراز و نشیب خود رویدادهای بسیاری را پشت سر گذاشته است. ایران در پهناورترین و کهن‌ترین قاره‌ی جهان یعنی آسیا واقع شده و بخش عمده‌ی آن فلات بزرگ و پهناور آسیا را به خود اختصاص داده و دو قاره آسیا و اروپا را به هم وصل می‌کند.

همچون آسیای مرکزی، شبه‌ی قاره و اقیانوس هند، بین‌النهرین و آناتولی وارد می‌کند، تبدیل به یک موقعیت حساس ژئوپولیتیکی گردیده است. کشور ایران دارای استعداد‌های محیطی، جغرافیایی و اقتصادی با قابلیت مبادلات اقتصادی خاص است که منبعی برای درآمد دولت، چشم‌اندازی برای دفع یا جذب منابع اقتصادی و پایانه‌ای برای فعالیت‌های مخرب اقتصادی به شمار رفته و از جمله مسائل مهم اقتصادی کشور به شمار می‌رود. موقعیت ژئوپولیتیکی و جغرافیایی خاص کشور ایران همانند کوهستانی بودن مرزهای غربی و بیابانی بودن مرزهای شرقی آن، سبب گسترش قاچاق کالا و دشواری مبارزه با آن شده است. وجود ۸۷۵۵ کیلومتر مرزهای طولانی با همسایگان، کنترل و نظارت بر ورود و خروج کالاها را از این مرزها دشوار می‌سازد. قاچاق کالا این پدیده‌ی شوم اقتصادی با تحت تأثیر قرار دادن وضعیت اقتصادی افراد جامعه به ویژه اقشار آسیب‌پذیر، علاوه بر سلامت، معیشت و اشتغال آن‌ها را تهدید می‌کند. قاچاق کالا و ارز اگر بزرگ‌ترین معضل اقتصاد ایران نباشد، بی‌تردید برجسته‌ترین عارضه و علامت بیماری است که اقتصاد کشور به آن مبتلا شده است. به همین دلیل، مبارزه و برخورد با این پدیده دست کم یکی از پر مصرف‌ترین واژه‌ها در ادبیات مردان اقتصادی دولت ایران بوده، هست و خواهد بود. قاچاق معضلی بین‌المللی است، که رفع این معضل در کشور جز با وحدت و انسجام ملی و همت والای مسئولان، امکان‌پذیر نیست.

قاچاق دارای یک شبکه‌ی در هم تنیده‌ی است که علل شکل‌گیری آن را می‌توان در ابعاد ژئوپولیتیکی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی، اقلیمی و امنیتی و انتظامی جست‌وجو کرد.

این مقاله می‌کوشد به بررسی رابطه‌ی میان مبانی علمی کاربردی عوامل ژئوپولیتیک کشور و ارتباط آن با قاچاق کالا بپردازد.

مفهوم واژه‌ی ژئوپولیتیک

واژه‌ی ژئوپولیتیک از تخصصی‌ترین و با اهمیت‌ترین مفاهیمی است که در روابط بین‌الملل و سیاست بین‌المللی

دست رسی ایران از دو سمت شمال و جنوب به دریا، کشور را در موقعیت خاصی قرار داده و مانند پلی حوزه‌ی نفتی خزر را به خلیج فارس متصل می‌کند.

به اعتقاد برخی از تحلیلگران سیاسی، وسعت سرزمینی کشورمان یکی از عواملی بود که در دهه‌ی ۱۳۵۰ ش / ۱۹۵۰ م موجب شد تا ایران در سیاست منطقه‌ای امریکا به عنوان یکی از پایه‌های اصلی دکترین دو ستونی نیکسون انتخاب شود.

موقعیت ژئوپولیتیک ایران

ایران از نظر جغرافیایی و فرهنگی، قلب خاورمیانه است. پیشینه‌ی فرهنگی ایران نسبت به سایر کشورهای این منطقه و هویت مذهبی آن، هم چنین قابلیت‌های اقتصادی و عملی ایران موجب تأثیرگذاری بالقوه‌ی هر چه بیش‌تر در منطقه و حتی تحولات جهانی شده است. ایران به عنوان پل ارتباطی میان شرق و غرب جهان از دیرباز مورد توجه کشورها و تمدن‌های دنیا بوده است. این نقش ارتباطی میان قاره‌ای و مجاورت با خلیج فارس و تنگه‌ی هرمز که محل ترانزیت محموله‌های نفتی است، بر اهمیت و نقش مؤثر ایران در نظر ناظران خارجی افزوده است؛ به طوری که هرگونه تحول سیاسی در آن موجب برانگیخته شدن حساسیت‌های جهانی می‌گردد.

کشور ایران (که امروزه شاهد هستیم) تنها بخش کوچکی از سرزمین تاریخی ایران را تشکیل می‌دهد. سرزمین ایران در گذشته شامل پهنه‌ی وسیعی از طول و عرض جغرافیایی بوده که طی قرن‌ها به عنوان قلمرو فرهنگ و تمدن کهن ایرانی - اسلامی شناخته شده است. وسعت این سرزمین بسیار پهناورتر از سرزمین کنونی ایران است و شامل سرزمین‌های داخل فلات وسیع ایران و یا سرزمین‌های حاشیه‌ی فلات می‌شود.

«از مهم‌ترین ویژگی این سرزمین استقرار آن در منطقه‌ای حائل است که به آن نقش برجسته‌ی گذرگاهی بخشیده است، گذرگاهی میان قاره‌های بزرگ جهان، میان چند قلمرو بزرگ جغرافیایی و میان چند حوزه‌ی دیرینه‌ی

فرهنگی».

به سبب همین نقش در تعاملات دولت‌ها، مسیرهای ارتباطی میان قاره‌های کهن جهان (چه از طریق راه‌های زمینی، دریایی و اینک هوایی) به طور اجتناب‌ناپذیر از داخل و یا حاشیه‌ی این سرزمین عبور می‌کرده است. جاده‌ی ابریشم و تجارت ادویه و سایر اقلام و کالاهایی که مورد نیاز شرق و غرب جهان کهن بوده و چین و شبه قاره هند را به اروپا متصل می‌ساخت، از گذشته‌های دور نقش برجسته‌ای به این سرزمین بخشیده بود. در سده‌ی گذشته با گسترش راه‌های دریایی و نیز منابع عظیم انرژی خلیج فارس، به عرصه‌ی رقابت میان قدرت‌های بزرگ دریایی جهان تبدیل گشت. امروزه نیز با گسترش روزافزون هوانوردی و نیز مبادلات هوایی و اهمیت آسمان ایران به عنوان کوتاه‌ترین کریدور هوایی میان قاره‌ای، علاوه بر این که نقش آن کاهش نیافته بلکه افزون‌تر نیز شده است. بنابراین «موقعیت گذرگاهی ایران به سبب نقش پر اهمیتی که در مبادلات منطقه‌ای ایفا می‌کند و همچنین اثرات عمیقی که بر تحولات سیاسی - اقتصادی حوزه‌های وسیعی چون آسیای مرکزی، شبه قاره و اقیانوس هند، بین‌النهرین و آناتولی وارد می‌کند، تبدیل به یک موقعیت حساس ژئوپولیتیکی گردیده است».

از طرفی کشف ذخایر عظیم سوخت‌های فسیلی در بستر خلیج فارس و اعماق خاک کشورهای منطقه و نیز احتیاج و نیاز ضروری جهان صنعتی به این منابع موجب تردد هر روزی تعداد زیادی شناور حامل مواد سوختی از خلیج فارس و تنگه‌ی هرمز شده است و همین امر موقعیت ژئوپولیتیکی ایران را تبدیل به یک موقعیت ژئواستراتژیکی در جهان ساخته است، به گونه‌ای که تعامل و انطباق موقعیت‌های ممتاز ژئوپولیتیکی و ژئواستراتژیکی ایران در این منطقه، کشور ایران را به یکی از نواحی مهم جهان تبدیل کرده است.

در دوران جنگ سرد هم‌جواری ایران با مرزهای جنوبی اتحاد جماهیر شوروی و بلوک شرق به رهبری کمونیست‌ها از یک سو و حساسیت منطقه‌ی نفت خیز خلیج فارس و خاورمیانه هم‌چنین اهمیت بسیار زیاد این منطقه برای بلوک

غرب و جهان صنعتی سبب شده بود تا ایران به عنوان یک سرزمین حائل میان این دو بلوک و اردوگاه ایدئولوژیک، از اعتبار خاصی برخوردار باشد.

از این رو و با توجه به تحولات اساسی در نظام اقتصاد، سیاست و فرهنگ جهانی، هم‌چنین پیوستگی جوامع و در هم تنیدگی سرنوشت سیاسی و اقتصادی، بشر امروز، تحت تأثیر امواج جهانی شدن، همواره تحریک‌پذیری و واکنش کشورهای جهان را نسبت به تحولات غیرمعارف در نظام بین‌الملل افزایش داده است. بنابراین با تأکیدی بر حفظ امنیت و ثبات نظام جهانی هر رویداد کم اهمیتی که در گوشه‌ای از جهان رخ بدهد، می‌تواند بازتاب‌های وسیع و گسترده‌ای از خود به‌جای بگذارد. با توجه به این مطلب و نقش برجسته‌ی ایران در تحولات اخیر منطقه و نظام بین‌الملل، تحولات مربوط به ایران چه در سطح داخلی و چه بین‌الملل همواره از طرف قدرت‌های بزرگ و دولت‌های دیگر با حساسیت و دقت زیادی پی گیری می‌شود و نگرانی از احتمال وقوع هر بحرانی موجبات ناامنی در مسیرهای بزرگ دریایی را فراهم می‌سازد و خصوصاً ضرورت توجه به امنیت نقاط اساسی‌ای مثل تنگه‌ی هرمز بوده که آن‌ها را درنگ به واکنش وامی‌دارد. «این موضوع بیانگر آن است که جهان همواره علاقه‌مند ثبات و امنیت ایران بوده و از هر کوششی که به این هدف دست یابد، پشتیبانی می‌کند».

آن چه لازم به یادآوری است اشاره به ترکیب موقعیت‌های چندگانه‌ی متمایز در زیر ساختار منطقه برای ایران است که سبب به وجود آمدن وضعیتی ممتاز، حساس و در عین حال خطرناک برای ما می‌شود. همان‌طور که اشاره شد این وضعیت از یک سو دربردارنده‌ی امنیت، ثبات و رشد اقتصادی است و از سوی دیگر ناامنی، بی‌ثباتی و عقیم‌گذاردن فرصت‌ها و ظرفیت‌ها را به همراه دارد.

چنان چه ژئوپولیتیک را ترکیبی از «عوامل ثابت» شامل موقعیت جغرافیایی، وسعت سرزمین، شکل کشور، وضعیت توپوگرافی و «پارامترهای متغیر» نظیر جمعیت، منابع طبیعی، نهادهای سیاسی و اجتماعی و تحولات نظام بین‌الملل بدانیم، موقعیت جغرافیایی و انسانی به

کشوری وسیع تر باشد، قدرت سیاسی و تمدن آن هم بیش تر خواهد بود».

از سوی دیگر کشورهای کوچک در یک احساس ناامنی همیشگی به واسطه‌ی اشغال شدن از سوی دیگر قدرت‌ها، به سر می‌برند. اشغال چند ساعته‌ی کویت به دست عراق نمونه‌ی آشکار شرایط بیان شده‌ی می‌باشد. ملاحظات مربوط به سرزمین از این قرار هستند:

۱.۲.۱. وسعت سرزمین زمانی امتیاز به حساب می‌آید که با جمعیت متناسب همراه باشد. دو حالت مازاد یا کمبود جمعیت به فراخور سرزمین، مشکلاتی را به همراه خواهد داشت. در حالت نخست، امکان طرح‌ریزی خط مشی‌هایی بحران‌زا و توسعه‌طلبانه، نظیر پروژه‌ی «فضای حیاتی» آلمان که منجر به بروز جنگ جهانی دوم گردید، وجود دارد. حالت دوم نیز منتهی به پی‌گیری سیاست «مهاجرپذیری» می‌شود که خود زمینه‌ساز بحران هویت، واگرایی سرزمینی و... خواهد شد.

۱.۲.۲. بهره‌مندی از منابع و امکانات طبیعی، ارزش امنیتی سرزمین‌ها را مشخص می‌سازد.

۱.۲.۳. پهناوری دولت‌ها تا جایی مفید و ثمربخش خواهد بود که ساکنان سرزمین‌ها، خود را براساس تعلقات تاریخی و نژادی، یک ملت دانسته و فرهنگی فراگیر و مشترک برآن جامعه مسلط باشد.

۱.۲.۴. بین وسعت سرزمینی و نیاز به نیروهای نظامی رابطه‌ی مستقیم وجود دارد. به تعبیری وسعت بیش‌تر، مرزهای طولانی را به همراه داشته که آن خود نیاز به نیرو و تسلیحات افزون‌تر را ایجاب می‌نماید.

با توجه به شرایط وسعت کشور، این فرصت برای ایران فراهم است تا در صورت حمله‌ی کشور دیگر، بتوانیم با عقب‌نشینی و سازمان‌دهی عقبه‌ی خود، توان دفاعی خویش را تقویت نماییم. از طرفی وسعت کشور تا حدی حالت بازدارندگی برقرار می‌سازد زیرا برای تهاجم به ایران، نیروهای نظامی بی‌شمار و تجهیزات فراوانی مورد نیاز است.

از سوی دیگر چنان‌چه خواسته باشیم در حوزه و حیطة «قدرت نرم»

اقتصادی قرار داشته باشد؛ برای نمونه، با وجود تدابیر و تلاش‌های فراوان دولت‌های هم‌جوار برای ایجاد محیط‌های امن مرزی و جلوگیری از ورود و خروج غیرقانونی کالاها به جمهوری اسلامی ایران، در همان سال‌های گذشته و به ویژه در پی تحولات دو دهه‌ی اخیر، از سوی برخی از باندهای مخوف قاچاق کالا، آثار تاریخی و اشیای عتیقه و مواد مخدر آسیب‌های زیادی به وضعیت اقتصادی و اجتماعی کشور ما هم در داخل کشور و هم از طریق ترانزیت غیرقانونی محموله‌های بزرگ و کوچک، وارد گردیده است و دولت ایران از این بابت هزینه‌های هنگفتی را متحمل شده است. برای مثال، در شمال شرقی کشور و در جای‌جای یک نوار مرزی طولانی، خطر ورود کاروان‌های مسلح مواد مخدر؛ در مرزهای شمال غربی و غرب کشور



احتمال ورود برخی از کالاهای ممنوع و غیرشرعی؛ در مرز جنوب غربی ایران انبوه کالاهای قاچاق آماده‌ی ورود به ایران مهاجرت‌های غیرقانونی و در مرزهای شمالی کشور (در شرق و غرب دریای خزر) فعالیت دلالان و واسطه‌های سازمان‌دهی شده برای قاچاق سوخت از ایران و وجود همین وضع در مرزهای جنوبی شرقی ایران، همه و همه بر حساس و خطرناک بودن وضعیت محیطی کشور دلالت دارد.

۱.۲ وسعت

از جمله ویژگی‌های هر کشوری وسعت آن است. برخی ژئوپلیتیسین‌ها اذعان نموده‌اند:

«وسعت خاک یک کشور بهترین نماینده‌ی قدرت سیاسی و پیشرفت فرهنگی آن کشور بوده و هرچه خاک

ترتیب بین عوامل ثابت و متغیر، نقش دو قطب را در تحلیل‌های ژئوپلیتیک ایفا می‌نمایند.

عوامل ثابت و پارامترهای متغیر ژئوپلیتیکی ایران

۱. عوامل ثابت

۱.۱. موقعیت جغرافیایی

موقعیت جغرافیایی اثر قابل ملاحظه‌ای بر توانایی و قدرت یک دولت در اقلان، پاداش دادن؛ تنبیه کردن؛ چانه زنی؛ و جنگ با سایر کشورها دارد. بدین علت که کنترل و در اختیار داشتن مناطق راهبردی امتیاز عمده‌ای برای نظام سیاسی به شمار می‌رود. استقرار در همسایگی قدرت‌های کوچک و یا هم‌جوار با قدرت‌های بزرگ همه از پیامدهای بیان شده به شمار می‌رود.

چگونگی استقرار مکانی در سطح کره زمین را موقعیت جغرافیایی نامند، که خود دارای دو حالت عمومی یا نسبی و خصوصی یا ریاضی است. موقعیت عمومی در سطحی کلان و مقیاس وسیع مانند قاره‌ای، جهانی و یا منطقه‌ای قابل بررسی است؛ در صورتی که موقعیت خصوصی از زاویه‌ی طول و عرض جغرافیایی، وضعیت کشور را بررسی می‌کند و به موقعیت‌های قاره‌ای، دریایی و راهبردی قابل تقسیم است.

ایران به سبب دارا بودن

سواحل طولانی در خلیج فارس و دریای عمان از یک سو و از سوی دیگر به واسطه‌ی در اختیار داشتن تنگه‌ی راهبردی هرمز به ترتیب دارای موقعیت دریایی و راهبردی می‌باشد. به دلیل داشتن این موقعیت مناسب است که در قرون گذشته کشور ما همواره مورد تعرض همسایه‌ی شمالی خود بود و یا انگلستان با توجه به مستعمره‌ی خود (هندوستان) بخش‌های جنوبی کشور را مورد تهاجم قرار می‌داد.

به جرات می‌توان گفت که موقعیت جغرافیایی ایران در بین کشورهای آسیایی و حتی کل جهان یک موقعیت خاص و استثنایی است و شاید هیچ کشوری را نتوان یافت که این چنین از ناحیه‌ی کشورهای اطراف خود در معرض خطرات و آسیب‌های اجتماعی

جمهوری اسلامی ایران چهار ضلعی نامنظمی است که بزرگ ترین قطر آن در جهت شمال غربی به جنوب شرقی (از آرارات تا خلیج گواتر) در حدود ۲۲۱۰ کیلومتر و قطر کوچک آن در جهت شمال شرقی به جنوب غربی (از سرخس تا دهانه‌ی اروند رود) در حدود ۱۴۰۰ کیلومتر است.

بیشتر مساحت کشور به طرز یک پارچه استقرار یافته است. اما بخش کوچک ولی بسیار پراهمیت ژئواستراتژیکی و ژئوپلیتیکی، که همان مجموع جزایر ایرانی واقع در خلیج فارس و تنگه‌ی هرمز می‌باشد، مقداری از سرزمین اصلی فاصله دارند، اما این جدایی فیزیکی بوده و به هیچ وجه جنبه‌ی حقوقی ندارد. همان طور که گفته شد، شکل کشور به دلیل یک پارچه بودن نقش تعیین کننده‌ی در وضعیت دفاعی - امنیتی کشور دارد.

جزایر واقع شده در خلیج فارس و تنگه‌ی هرمز نقش بی بدیلی را در زنجیره دفاعی کشور عهده دار هستند. به تعبیری روشن تر، شش جزیره‌ی ابوموسی، تنب بزرگ، هرمز، لارک، قشم و هنگام، «قوس دفاعی» ایران در جنوب کشور را تشکیل می‌دهند. از سوی دیگر تنب کوچک، منطقه‌ی ارتباطی و پشتیبانی تنب بزرگ است. با بهره‌گیری از این جزایر، امنیت و کنترل تنگه هرمز، در اختیار ایران قرار می‌گیرد.

اما در مسئله‌ی حمل کالای قاچاق در این مناطق دلیل عدم امکان نظارت دقیق و مؤثر بر شناورهای نواحی دریای خلیج فارس و دریای عمان نواحی جنوبی از جمله نواحی قابل توجه برای واردات قاچاق محسوب می‌شود. با توجه به گزارش‌های دبیرخانه‌ی ستاد مبارزه با قاچاق کالا و ارز تعداد ۲۳۰۰ شناور و لنج صیادی با ظرفیت ۱۰۰-۱۰ تن و بیش از ۲۶۰۰ شناور لنج باری با ظرفیت ۳۰۰-۲۰ تن و بیش از ۶۸۰۰ قایق صیادی در آب‌های نواحی جنوبی کشور فعالیت می‌کنند از آن جایی که نظارت سازمان بنادر و کشتی‌رانی عمدتاً بر کشتی‌های باری، تجاری و مسافری بوده و نظارت چندانی بر لنج‌ها و قایق‌های صیادی صورت نمی‌گیرد، امکان قاچاق حجم بالای کالاها توسط شناورهای مذکور وجود دارد. ■

پایان قسمت اول

در شمال، دشت کویر نمک و در جنوب، دشت کویر لوت می‌باشند. در واقع بخش قابل ملاحظه‌ای از کشور در حال حاضر با توجه به امکانات و فناوری‌های موجود قابل بهره‌برداری و استفاده نیست.

در نتیجه با توجه به این که ایران یک کشور بسیار وسیع و غیرقابل کنترل می‌باشد نمی‌توان با کنترل‌های فیزیکی از ورود کالای قاچاق به کشور جلوگیری کرد.

۳.۱. شکل کشور

کشورها را برحسب شکل می‌توان در انواع زیر دسته‌بندی نمود. مدور، مطول، منفصل، دنباله‌دار و محیطی.

شکل سرزمینی حکومت‌ها در مسائلی نظیر ارتباطات، وحدت و یک‌پارچگی کشور، ملاحظات دفاعی و به طور کلی قدرت و امنیت ملی واجد اهمیت می‌گردد؛ به همین دلیل بهترین وضعیت برای نظام‌های سیاسی، در شکل مدور حاصل می‌گردد. زیرا فاصله قطرها در این حالت به یک دیگر نزدیک می‌باشد. به نظر می‌رسد اولویت بعدی را کشورهای مطول در اختیار دارند، زیرا واحدهایی که گسترش یافتگی آن‌ها در طول می‌باشد نسبت به نظام‌هایی که در عرض امتداد یافته‌اند شرایط امنیتی بهتری در اختیار دارند. سایر شکل‌های سرزمینی، در تحقق وضعیت‌های امنیت آفرین، با موانعی مواجه‌اند.

برنامه‌ریزی کنیم، منابع موجود در کشور می‌تواند انرژی و ظرفیت‌های لازم به منظور حرکت در فرایند توسعه‌ی را تحقق بخشند. آمارها نشان می‌دهند که حدود ۱۸۰/۲۰۰ کیلومتر مربع از سرزمین ما به جنگل‌ها و بخش قابل توجهی نیز به مراتع (اعم از خوب، متوسط و ضعیف) اختصاص دارد. چنین امکاناتی می‌تواند زمینه ساز توسعه صنایع و بخش دامپروری بوده و در مجموع رونق اقتصادی کشور را موجب شود. در کنار مزایا و امتیازات بیان شده نباید از «مخاطرات» غفلت نمود. وجود مناطق کوهستانی در غرب کشور و مناطق بیابانی در شرق و هم چنین مرزهای دریایی در شمال و جنوب کشور سبب بوجود آمدن معابر و محورهای متعدد ورود و خروج کالای قاچاق در مرزها می‌گردد. همان‌گونه که بیان گردید وسعت زیاد، نیاز به نیروهای مسلح را در سطحی وسیع تر ضروری می‌نماید، که این مهم اگر تحقق نیابد باعث بروز مشکلات امنیتی به واسطه‌ی گسترش قاچاق در مناطق مرزی می‌گردد.

مسئله دیگر آن است که به دلیل بزرگی سرزمین، جمعیت فراوانی در کنار هم زیست می‌نمایند و بنابراین علاوه بر فراوانی، شاهد تنوع قومیتی - هویتی نیز می‌باشیم.

در بخش بزرگی از مرزهای ایران نیز به لحاظ قومی، ساکنان دوسوی مرز، از یک قوم هستند. مثل ترکمن‌ها، بلوچ‌ها، عرب‌ها، کردها و ترک‌ها. روشن است که در زمان ترسیم مرزهای ما نوعی نگاه سیاسی وجود داشته و این مرزها را تحمیلی و تنش‌زا مشخص کرده و قومیت‌ها را چند پارچه کرده‌اند تا در مواقع مورد نیاز با سوءاستفاده از تنوع قومی و مذهبی در این مناطق اقدام به ایجاد اختلاف در میان قومیت‌ها و قبایل مختلف کرده و بدین ترتیب با شگرد تنش‌زایی بسترهای اختلافات قومی و مذهبی را گسترش دهند که در این صورت مطمئناً کنترل این مرزها با سختی‌های بسیار همراه می‌باشد.

از وسعت حدود ۱ میلیون و ۶۰۰ هزار کیلومتر مربعی ایران تقریباً ۳۲۰۰۰۰ کیلومتر مربع یا یک پنجم مساحت کشور را بیابان‌های داخلی تشکیل می‌دهد که مهم‌ترین مناطق آن

موقعیت گذرگاهی ایران به سبب نقش پر اهمیتی که در مبادلات منطقه‌ای ایفا می‌کند و همچنین اثرات عمیقی که بر تحولات سیاسی - اقتصادی حوزه‌های وسیعی هم چون آسیای مرکزی، شبه قاره و اقیانوس هند، بین‌النهرین و آناتولی وارد می‌کند، تبدیل به یک موقعیت حساس ژئوپلیتیکی گردیده است